

کتاب پژوهش کارگری

شماره ۳

بهار ۱۹۹۹

□ جنبش کارگری ایران: پر جوش اما پراکنده جلیل محمودی

تشکل کارگری در گرو مقاومت کارگران در مقابل قدرت دولتی

□ اشکال مدیریت سرمایه داری و

ناصر سعیدی

سازمان دهی کار در سوسیالیسم

ویژگی های مدیریت سرمایه داری و اشکال کنترل بر کار

چند ویژگی سازمان دهی کار در سوسیالیسم

□ خاطراتی از زندگی و مبارزه کارگران نفت بداله خسروشاهی

دوره زندان

دوران انقلاب

ام. برینتون

برگردان: جلیل محمودی

□ بلشویک ها و کنترل کارگری

اندی پولاک

برگردان: ح. آزاد

□ تکنولوژی اطلاعاتی و خودمدیریتی سوسیالیستی

چه کسی تکنولوژی اطلاعاتی را کنترل خواهد کرد؟

فهرست

صفحه	نگارنده	مطالب
۴		▣ مطالب این شماره
۹	جلیل محمودی	▣ جنبش کارگری ایران: پژوهش اما پراکنده کمک‌های حکومت به سرمایه‌داران اخراج کارگران برخورد سرمایه‌داران به تشکلهای حکومتی در محیط کار قراردادهای موقت کار رکورد بیکارسازی‌ها شکسته می‌شود مبارزات کارگری نکاتی درباره حرکات اعتراضی کارگران تشکل کارگری در گرو مقاومت کارگران در مقابل قدرت دولتی
۳۰	ناصر سعیدی	▣ اشکال مدیریت سرمایه‌داری و سازمان‌دهی کار در سوسیالیسم پیش‌گفتار فصل اول: ویژگی‌های مدیریت سرمایه‌داری و اشکال کنترل بر کار نهاد مدیریت

اشکال کنترل بر کار

فصل دوم: چندسیستم مدیریت سرمایه‌داری

الف- "مدیریت علمی" تیلور

ب- تولید توده‌وار در سیستم فورد

تأثیر مستقیم فوردیسم بر کارگران

موضع سوسیال دموکرات‌های آلمان

ج- سیستم "تولید کم‌هزینه"

وابسته نمودن کارگران به مؤسسه

نظام سلسله‌مراتبی

فصل سوم: چند ویژگی سازمان‌دهی کار در سوسیالیسم

۸۶ بداله خسروشاهی

❖ خاطراتی از کار و مبارزه کارگران نفت

(تا مقطع قیام ۵۷)

طرح طبقه‌بندی مشاغل

بیمان‌های دسته‌جمعی

رابطه با جریانات سیاسی

دوره زندان

دوران انقلاب

برخی از ضعف‌های مبارزات ما

۱۱۴ ام. پرینتون

❖ بلشویک‌ها و کنترل کارگری

برگردان: جلیل محمودی

پیشگفتار مترجم

از ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ تا مارس ۱۹۱۸

۱۴۸ ■ تکنولوژی اطلاعاتی و خودمدیریتی سوسیالیستی
 برگردان: ج. آزاد

توضیح ناشر

۱- سرعت، اندازه و قابلیت دست‌رسی

۲- شبکه‌ها؛ دروازه‌هایی به سوی مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها

الف- درون موسسه: زیرشبکه‌ها

ب- برنامه‌ریزی بین شرکت‌ها

ج- خرید و فروش کامپیوتری: خودمدیریتی در مصرف

د- برنامه‌ریزی کل اقتصاد

۳- تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطات خرد-کلان

۴- نقدینه الکترونیکی و محاسبه سوسیالیستی

۵- برنامه‌ریزی بین‌المللی

۶- تکنولوژی اطلاعاتی و عرصه بازتولید

۷- چه کسی تکنولوژی اطلاعاتی را کنترل خواهد کرد؟

آدرس:

Postlagerkarte

Nr. 093739 C

30001 Hannover

Germany

مطالب این شماره

۱۱ "جنبش کارگری ایران: پرجوش اما پراکنده"، عنوان مقاله‌ای است از جلیل محمودی. مقاله با اشاره به پی‌آمدهای ناگوار "برنامه تعدیل اقتصادی" برای کارگران، خاطر نشان می‌سازد که جمهوری اسلامی برای پیش‌برد این برنامه دست سرمایه‌داران را برای پایمال نمودن حقوق کارگران بیش از پیش باز گذاشته است. در این رابطه به موارد متعدد سخت‌گیری‌های کارفرمایان در محیط کار پرداخته می‌شود. سپس نویسنده تسهیلات و کمک‌های دولت به سرمایه‌داران را متذکر می‌شود و روی این امر تأکید می‌کند که: سرمایه‌دار ایرانی بدون حمایت رژیم اسلامی نمی‌توانست تا این درجه حقوق کارگران را نقض کند و نتیجه می‌گیرد که طبقه سرمایه‌دار در ایران به حکومت‌های خودکامه و سرکوب‌گر نیاز دارد.

در ادامه، برخورد سرمایه‌داران به تشکلات حکومتی در محیط کار مورد توجه قرار می‌گیرد؛ آن‌گاه تصویر زنده‌ای از مشکلات کارگران (اخراج‌ها،

قراردادهای موقت، تعویق در پرداخت دستمزدهای ناچیز و... به دست داده می‌شود. محمودی تأکید می‌کند که امروزه کارگران در کارخانه‌های مختلف مبارزات زیادی را سازمان می‌دهند و فهرستی از واحدهای تولیدی‌ای که در آن‌ها اعتراضات کارگری در جریان بوده است، ارائه می‌دهد. او ضمن برشمردن چند ویژگی اعتراضات اخیر، بار دیگر ضرورت ایجاد تشکل مستقل کارگری را مطرح می‌کند.

به عقیده نویسنده مشکل امروز ایران در کلیت اقتصاد نهفته و در کل سیستم سیاسی قرار دارد و کارگران برای دفاع سازمان یافته در مقابل این سیستم به تشکیلات مستقل و سراسری نیازمندند. مقاله به دو مانع عمده که در راه ایجاد چنین تشکیلاتی قرار دارد، اشاره می‌کند. در قسمت پایانی ضمن اشاره به این امر که تشکل مستقل کارگری پایه‌های رژیم استبدادی را متزلزل می‌کند، پدیداری چنین تشکیلاتی را پیش شرط دستیابی به حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه می‌خواند.

□ آشکال مدیریت سرمایه‌داری و سازمان‌دهی کار در سوسیالیسم^۲ بحثی است از ناصر سعیدی در باره ضرورت نابودی تابعیت ساختاری کار به سرمایه. نویسنده در فصل اول به چند ویژگی عمومی نهاد مدیریت در کارخانه‌های سرمایه‌داری و اشکال کنترل بر کارگران می‌پردازد. در آن‌جا ضمن تأکید بر "اطاعت کار از سرمایه"، "روابط سلسله‌مراتبی" در محیط‌های کار و "تمرکز اطلاعات و آگاهی در دست نهاد مدیریت"، راه‌هایی که سرمایه از طریق آن‌ها، رقابت میان کارگران را تشدید می‌کند، ذکر می‌گردند. در این قسمت نشان داده می‌شود که موقعیت فرودست کارگران در واحدهای تولیدی جزئی جدایی‌ناپذیر از مناسبات سرمایه‌داری است. در فصل دوم مسئله در سطح مشخص تری دنبال می‌شود و واقعیت فرمان‌بری کارگران در سه سیستم برجسته مدیریت

سرمایه‌دارانه (تیلوریسم، فوردیسم و تولید کم هزینه) بررسی می‌گردد. در فصل سوم نویسنده می‌کوشد بحثی را درباره خصوصیات عمومی سازمان‌دهی کار در سوسیالیسم باز کند. وی پیرامون ضرورت گشودن این بحث می‌نویسد: اگر فعالین کارگری از پیش تصویری از دامنه دگرگونی‌هایی که باید در عرصه اقتصاد و محیط‌های کار صورت بگیرد، داشته باشند، بی‌شک جنبش کارگری در لحظات مناسب پیش‌روی‌های چشم‌گیرتری خواهد کرد.

نویسنده تأکید می‌کند که تسخیر قدرت سیاسی توسط کارگران تنها اولین گام برای دگرگونی اقتصادی جامعه است و کارگران بدون حاکم شدن بر فرآیند کار و تولید و بدون دگرگون نمودن کل دستگاه اقتصادی بورژوازی قادر به رهایی خود و بنای جامعه نوین نیستند. این مقاله با پرداختن به بحث مذکور که در جنبش چپ ایران تازگی دارد، می‌کوشد ادای سهمی در جهت روشن نمودن یکی از اجزای اساسی پروژه سوسیالیسم بکند.

□ یداله خسروشاهی در این شماره، خاطرات خود از زندگی، کار و مبارزه کارگران نفت را تا مقطع انقلاب ۵۷ پی می‌گیرد. قسمت اول مقاله او که در شماره قبل منتشر شد، مورد توجه عده زیادی از خوانندگان قرار گرفت. در این قسمت نیز او مجموعه‌ای از تجارب را که تا به حال در جنبش چپ ایران به بحث گذاشته نشده، مطرح می‌کند. جریان شکل‌گیری و مسایل مربوط به طرح طبقه‌بندی مشاغل، چندوچون پیمان‌های دسته‌جمعی در صنعت نفت، چگونگی رابطه کارگران با جریانات سیاسی، خاطرات دوره زندان شاه و فعالیت کمیته مخفی و سراسری کارکنان صنعت نفت در جریان انقلاب ۵۷، همه نکات آموزنده بسیاری در بر دارند. خسروشاهی در بخش پایانی خاطراتش رئوس ضعف‌های مبارزات کارگران نفت تا مقطع انقلاب را برمی‌شمارد. دقت در این کاستی‌ها امروز نیز - پس از گذشت ۲۰ سال - از اهمیت عملی بسیاری برای فعالین جنبش کارگری

برخوردار است.

□ در کتاب پژوهش کارگری (۲) مطالبی پیرامون تلاش کارگران روسیه در انقلاب ۱۹۱۷ برای دگرگونی شرایط زندگی خود به چاپ رساندیم. در همین رابطه برای این شماره هم قسمتی از کتاب "ام. برینتون" به نام "بلشویک‌ها و کنترل کارگری" را انتخاب کرده‌ایم که توسط جلیل محمودی ترجمه شده است. نقد و بررسی تجربه انقلاب روسیه به‌عنوان یک پروپلماتیک انقلاب کارگری از سوی متفکرین و جریان‌ات‌گوناگون صورت گرفته است، اما نگرش برینتون به موضوع با اکثر نظرات انتقادی تفاوت دارد. برینتون می‌کوشد تلاش‌های توده کارگران را در جریان انقلاب با باریک‌بینی دنبال کند، خلاقیت و ضعف‌های آن‌ها را خاطر نشان سازد و موانعی را که بر سر راه آن‌ها قرار داشت در مرکز توجه خود قرار دهد. موضوع "کنترل کارگری" و جنبشی که پیش‌تاز آن بود (کمیته‌های کارخانه) در بررسی برینتون جایگاه ویژه‌ای دارند. وی در این ارتباط با دقت موضع‌گیری‌ها، پراتیک و ادبیات حزب بلشویک در باره کنترل کارگری را مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

به عقیده نویسنده طبقه کارگر روسیه قصد داشت با تعیین نمودن مستقیم امور تولید، مناسبات تولیدی را دگرگون سازد، ولی با هر شکستی برای این طبقه دخالت در تولید دشوارتر می‌شد. وی با دنبال کردن روزه‌روز وقایع انقلاب، شکست‌های طبقه کارگر را در هر روی داد خاطر نشان می‌سازد و می‌کوشد دلایل این شکست‌ها را روشن سازد.

□ مقاله اندی پولاک با عنوان "تکنولوژی اطلاعاتی و خودمدیریتی سوسیالیستی" که ح. آزاد آن را به فارسی برگردانده، تلاش جانب توجهی است در جهت ترسیم افق سوسیالیستی بر زمینه پیشرفت‌های تکنولوژیک در دهه‌های اخیر.

نویسنده از اطلاعات فنی و تجربیات خود در زمینه سیستم‌های گوناگون کامپیوتری یاری گرفته و نشان می‌دهد که تکنولوژی مدرن کنونی امکانات ارتباطاتی و محاسباتی عظیمی به وجود آورده است؛ امکاناتی که می‌توانند برای از میان بردن مناسبات سرمایه به کار گرفته شوند و در خدمت خودمدیریتی سوسیالیستی قرار گیرند. نقطه قوت اثر پولای در این است که به گونه‌ای قابل فهم، ممکن و عملی بودن برنامه‌ریزی سوسیالیستی و حاکم شدن اتحاد جامعه بر سرنوشت خودشان را نشان می‌دهد. این جنبه‌ای است که به قول نویسنده، تاکنون چپ درباره‌اش بسیار کم اندیشیده و بحث کرده است.

جنبش کارگری ایران: پرجوش اما پراکنده

جلیل محمودی

در محلات کارگرنشین به راحتی صف‌های طولی زن و بچه کارگران در مقابل نانوائی‌ها و سبزی‌فروشی‌ها به چشم می‌خورد. نان و سبزی به غذای اصلی کارگران تبدیل شده است. گوشت تقریباً از وعده‌های غذای خانوارهای کارگری حذف شده است و در بهترین حالت حبوبات و بنشن جای آن را گرفته‌اند. از لابیات تنها ماست ارزان قیمت هنوز برای کارگران باقی مانده است یعنی ماستی که با شیوه‌های غیر بهداشتی عمل می‌آید و مثلاً از شیری بسته می‌شود که از تاریخ مصرف آن گذشته است.

کمک‌های حکومت به سرمایه‌داران

تاریخ زندگی کارگران در جمهوری اسلامی به یک امر عادی تبدیل شده است. کارگری که در زیر خط فقر زندگی می‌کند، باز هم مورد تاخت و تاز حکومت، سرمایه‌داران و کارشناسان آن‌ها قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی از سال ۱۳۶۸ تحت عنوان «برنامه تعدیل اقتصادی» دست سرمایه‌داران را برای استثمار کارگران بیش از پیش باز گذاشت. در کارخانه‌ها و

واحدهای تولیدی سخت‌گیری‌ها افزایش یافت. مقررات انضباطی تشدید شد. فشار و شدت کار بالا رفت. جریمه کردن کارگران به بهانه‌های گوناگون رواج یافت و مدیران بنا وضع آئین‌نامه‌هایی بر تعداد و میزان جریمه‌ها افزودند. تحت عنوان "تعمیر نیروی انسانی" کارگران با سابقه و رسمی را به عنوان "نیروی مازاد" بازخرید یا بازنشسته کردند و دوباره همین "نیروی مازاد" را به عنوان کارگر موقت به کار گماردند.

امروز دست سرمایه‌داران در پیش‌برد تخلفات پنهان و آشکار کاملاً باز است. اخراج‌های فردی و دسته‌جمعی کارگران، خودداری از پرداخت سهم بیمه کارگران، عدم مراعات شرایط ایمنی و سلامتی در محیط کار، حذف پاره‌ای از مزایایی که به کارگران تعلق می‌گیرد، حذف تعطیلی پنج‌شنبه‌ها، وادار کردن کارگران به اضافه کاری اجباری و کار در ایام تعطیلی، افزایش ساعات کار، حذف همه یا بخشی از مرخصی مقرر سالانه، خودداری از اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، پرداخت دستمزدها به شیوه کارمزدی (کنتراپی) به جای روزمزدی و غیره و غیره از جمله امور جاری و روزمره شده‌اند، و هر روز این اجحافات ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرند.

سرمایه‌دار ایرانی بدون حمایت بی‌چون و چرای رژیم اسلامی نمی‌توانست چنین ابعادی از ستم و زورگویی را به کارگران تحمیل کند. مراجع قضایی حکومت که هر گونه "سرپیچی" کارگران از اوامر و قوانین خودساخته کارفرمایان را جرم قلم‌داد می‌کنند و آن را کیفر می‌دهند، در مقابل تخلفات آشکار سرمایه‌داران به راحتی چشم فرو می‌بندند. محبوب، دبیرکل خانه کارگر جمهوری اسلامی، در مصاحبه‌ای با روزنامه سلام (۳۱ مرداد ۷۵) اعتراف می‌کند: "حاصل به قانون از طرف کارفرمایان عمل مستحیی محسوب می‌شود و مراجع و محاکم قضایی قاطعیت لازم را برای اعمال قانون ندارند."

فعالیت بر پایه انگیزه سودپرستی روان‌شناسی سرمایه‌دار است. این موضوع البته درست است. اما سرمایه‌دار ایرانی به برکت رژیم جمهوری اسلامی از قدرت تهاجمی و درنده‌خویی بیشتری برای کسب ارزش اضافه از کارگران برخوردار است. سرمایه‌دار ایرانی بیشترین سود را در کم‌ترین زمان، با بیشترین تضمین در قبال بی‌حقوقی کامل کارگران می‌خواهد. و برای دست‌یابی به این امر به اقتدار و خودکامگی دولت نیاز دارد. وجود حکومت جمهوری اسلامی به مثابه یک رژیم سرکوب‌گر و خودکامه مهم‌ترین عاملی است که سرمایه‌داران بتوانند در پشت و پناه آن وسیع‌ترین بی‌حقوقی‌ها را به کارگران تحمیل کنند.

طبقه سرمایه‌دار از کلیه کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت برخوردار است. حکومت جمهوری اسلامی در حمایت از سرمایه‌داران از ارزش ریال کاست و آن را در مقابل دلار به طور سرسام‌آوری تنزل داد؛ این سیر نزولی هم‌چنان ادامه دارد. هدف این سیاست، در وهله اول کاهش ارزش مزد و حقوق و در نتیجه کاهش هزینه نیروی کار و ارزان‌تر کردن آن برای سرمایه‌داران بود. در عین حال دستمزدهای واقعی را کاهش داد. اکنون سال‌هاست که مردها با آهنگی بسیار کندتر از نرخ تورم رسمی افزایش می‌یابند.^(۱) در همین راستا، جمهوری اسلامی بسیاری از واحدهای تولیدی را با قیمت‌های ناچیز و گاه‌مجانگی، به سرمایه‌داران بخش خصوصی واگذار کرد و عملاً نظارت بر این واحدها و سرنوشت آن‌ها را به دست فراموشی سپرد. دادن انواع کمک‌های ویژه، اختیارات بانکی با نرخ بهره پایین^(۲) (با توجه به نرخ تورم)، برقراری انواع معافیت‌ها، از جمله معافیت‌های مالیاتی از دیگر سیاست‌های حکومت در جهت منافع سرمایه‌داران بوده است. از همه مهم‌تر، رژیم بی‌حقوقی کارگران را از طریق جلوگیری از ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و سرکوب اعتراضات کارگری قانونیت بخشیده است. در عین حال ایجاد تشکل‌های سرمایه‌داران را تشویق نموده و با تصویب قوانین متعددی از وحدت کارفرمایان حمایت می‌کند.

در چند وزارت‌خانه و نهاد دولتی تسهیلاتی در این زمینه برای کارفرمایان فراهم شده

۱- بر اساس خبری که در کار و کارگر ۱۰ دی ۱۳۷۷ درج شده است: سید هزینه یک خانوار در سال ۷۸، ۱۵۰ هزار تومان و خط فقر ۱۳۰ هزار تومان محاسبه شده است. در حالی که حداقل حقوق در سال ۱۳۷۷ حدود ۳۰ هزار تومان بوده، و متوسط حقوق کارگران با ۱۵ سال سابقه، ۵۰ هزار تومان برآورد شده است. امسال نیز شورای عالی کار جمهوری اسلامی - که سالی یک بار درباره حداقل دستمزد کارگران تصمیم می‌گیرد - فقط ۲۰ درصد به حداقل دستمزد کارگران افزود. به دین ترتیب حداقل دستمزد روزانه به ۱۲۶۰ تومان (۳۷۸۰۰ تومان در ماه) رسید؛ یعنی حداقل دستمزد سال ۷۸، ۹۲۲۰۰ تومان پایین‌تر از خط فقر است.

۲- در سال ۱۳۷۴ رشد اعتبارات بانکی اعطاء شده به بخش دولتی ۳/۸ درصد و به بخش خصوصی ۲۴ درصد بود، در حالی که تقدینگی بخش خصوصی با رشد ۳۷/۶ درصد نسبت به سال ۱۳۷۳ به ۸۵/۳ هزار میلیارد ریال رسید. این میزان بیش از دو برابر پرداخت‌های عمومی دولت در بودجه سال ۱۳۷۴ بود. (گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۴ ایران، از گزارش بانک مرکزی به مجمع عمومی این بانک، روزنامه اطلاعات ۱/۷/۱۳۷۵، اخذ از اطلاعات سیاسی - اقتصادی،

است. وزارت کار از تشکیل انجمن‌های صنفی کارفرمایان حمایت می‌کند. وزارت صنایع نیز دستورالعمل تشکیل انجمن‌های صنایع همگن را ابلاغ کرده است. مدیران صنایع می‌توانند علاوه بر انجمن صنفی که در وزارت کار به ثبت می‌رسد، انجمن صنایع همگن نیز تشکیل دهند. وزارت تعاون نیز از تشکیل سندیکا یا انجمن صنعتی حمایت می‌کند. سرمایه‌داران می‌توانند تحت قوانین و مقررات سه وزارت‌خانه مذکور تشکیلات خودشان را ایجاد کنند. هم‌چنین در قانون نظام صنفی، تشکل‌های دیگری تحت عنوان اتحادیه منطقه‌ای صنعتی، اتحادیه مرکزی صنعتی، مجمع امور صنفی و شورای مرکزی اصناف پیش‌بینی شده است که فعالیت‌های صنفی - تولیدی را نیز در بر می‌گیرد. با استفاده از این قانون نیز گروهی از سرمایه‌داران توانسته‌اند تشکل‌های خود را تأسیس و تحت حمایت وزارت بازرگانی فعالیت نمایند. در قانون اتاق بازرگانی نیز تشکیل اتحادیه‌ها و سندیکاهای تولیدی پیش‌بینی شده است که سرمایه‌داران می‌توانند در نوای این قانون نیز سندیکا تشکیل دهند. (رجوع شود به جامعه سالم، شماره ۲۸، ص ۳۰)

اخراج کارگران

طی دهه ۱۲۷۰ اخراج کارگران سیر صعودی داشت. موج بیکارسازی‌ها در سال‌های ۷۱ و ۷۲ به اوج خود رسید. صدها هزار کارگر به خیابان‌ها پرتاب شدند. عده‌ای از این کارگران را سرمایه‌داران مجدداً به صورت قراردادی و موقت به کار گماردند و آن‌ها را ناچار نمودند با دستمزد کم‌تری کار کنند. از پیامدهای ناگواری زندگی بقیه بیکارشدگان هیچ اطلاعی در دست نیست. به راستی چند نفر از آن‌ها به تباهی و نیستی کشیده شدند؟ بر سر فرزندان آن‌ها چه آمده است؟ چند خانواده بدین دلیل متلاشی شده‌اند؟ چند نفر از آن‌ها به خود به چشم انسان شکست خورده می‌نگرند و فروخته شده‌اند؟ چند نفر آن‌ها احساس هویت و حرمت کردن، احساس ارزش‌مندی کردن را از دست داده‌اند و علی‌رغم تمایل خود به کارهای حاشیه‌ای کشیده شده‌اند؟ در میان کارگران بیکار شده بر سر کارگرزنی که خود سرپرست فرزندان قد و نیم‌قدش و احیاناً والدین سال‌خورده‌اش بود، چه آمد؟ کسی از سرنوشت اینان چیزی نوشت. بیکارسازی‌ها با مقاومت کارگران روبه‌رو شد و آهنگ آن کندتر گشت. اما دوباره طی سال گذشته حملات ظریه‌پردازان سرمایه و طرف‌داران "سیاست تعدیل اقتصادی" به کارگران افزایش یافت. "تعدیل نیروی کار" در واحدهایی که "مازاد نیروی انسانی" دارند، بار دیگر به موضوع فعالیت‌های تبلیغاتی "کارشناسان اقتصادی" بدل گشت. چه کارشناسانی که

در "ستاد سامان‌دهی اقتصاد کشور" حکومت خاتمی گرد آمده‌اند و چه آن‌هایی که در خدمت "اتاق بازرگانی" که زیر سلطه تجار پرنفوذ و سران "مؤتلفه اسلامی" قرار دارد، همگی یک‌صدا خواهان آزاد گذاشتن سرمایه‌داران در اخراج کارگران شدند. آن‌ها محدودیت برای کارفرمایان جهت اخراج کارگران را دلیل زیان دادن واحدهای تولیدی و ورشکستگی و تعطیل آن‌ها قلم‌داد کرده و چنین کاری را عامل افزایش رکود اقتصادی و بیکاری در کشور نامیدند.

البته همان‌گونه که ذکر شد، اخراج خودسرانه کارگران در واقعیت همیشه وجود داشته است.^(۳) مبارزات کارگران طی چند سال گذشته مؤید این امر است. این مبارزات لبریز از هزاران مورد از شکایات و اعتراضاتی است که آن‌ها علیه اخراج‌های خودسرانه کارفرمایان و عدم رسیدگی مقامات قضایی حکومت به این تخلفات نموده‌اند. به گفته پرویز احمدی - رئیس هیئت مدیره شوراهای اسلامی استان تهران - "تعداد آرای اخراج کارگران در سال‌های ۷۳، ۷۴، ۷۵ و ۷۶ به ترتیب مربوط به ۸۲۷۲۱، ۹۲۴۹۷، ۷۸۸۸۸ و ۹۶۰۰۰ نفر از کارگران بوده است." (کار و کارگر، ۱۱ بهمن ۷۷) مسئله اکنون برای کارفرمایان این است که مجوز قانونی برای اخراج کارگران از واحدهای تولیدی را به صورت مطلق به دست آورند.

سرمایه‌داران حتی قانون کار جمهوری اسلامی را که خود سندی ضد کارگری است، تحمل نمی‌کنند. جاز و جنجال‌هایی که اخیراً آن‌ها برای تغییر این قانون راه انداخته‌اند، یکی هم بر سر تغییر ماده ۲۷ آن است. طبق این ماده کارفرما حق دارد در صورت اعلام نظر مثبت شورای اسلامی (یا انجمن صنفی) کارگر را اخراج کند. اگر مسئله با توافق کارفرما و شورای اسلامی حل نشد، موضوع به "هیئت تشخیص" ارجاع می‌شود. اگر این هیئت نیز نتوانست تصمیم بگیرد، موضوع به "هیئت حل اختلاف" سپرده می‌شود. سرمایه‌دار اما می‌خواهد این تصمیم منحصرأ در حیطه اختیار خودش باشد.

برخورد سرمایه‌داران به تشکلهای حکومتی در محیط کار

سرمایه‌دار ایرانی نه تنها با تمام وحشی‌گری در جهت سرکوب تشکلهای مستقل

۳- "موارد زیادی دیده می‌شود که مدیر یا سرپرست بخشی از کارخانه خیلی واضح به کارگر می‌گوید اگر از قیافهات هم خوشم نیاید می‌توانم اخراجت کنم..." مریم محسنی، فرهنگ توسعه، شماره‌های ۳۳-۳۴.

کارگری با حکومت همکاری می‌کند، بلکه حتی وجود تشکل‌های دولتی را نیز، که به نام کارگران عمل می‌کنند، تحمل نمی‌نماید. در قانون کار از ۳ نوع تشکل نام برده شده است: شوراهای اسلامی کار، انجمن صنفی و نماینده کارگری.

"شوراهای اسلامی" با زوری قدرت‌مند مدیریت هستند و اساسی‌ترین وظایف آنها تحریف خواسته‌های کارگران و شناسایی فعالین مستقل کارگری است. حتی فردی مثل محمد سلامتی که خود در تدوین قانون کار و احتمالاً در تنظیم قانون شوراهای اسلامی کار نقش مهمی داشته است، در مصاحبه‌ای با روزنامه سلام (اسفند ۷۱) می‌گوید که اکثر وظایفی که به عهده شوراهای اسلامی گذاشته شده در واقع این‌ها را عمده کارفرما یا مدیر کرده است و در واقع شورا در خدمت مدیریت واحد است تا واحد را بهتر اداره کند.

با این وجود باز هم در اکثر واحدها، کارفرمایان اجازه تأسیس این "شوراها" را نداده و نمی‌دهند. و هنوز هم سردمداران این "شوراها" مثلاً از این می‌نالند که: "در شهرستان ورامین مسئولان شهرداری‌ها، روغن نباتی ورامین، آب و فاضلاب و چند واحد دیگر اجازه نمی‌دهند که در این واحدها شورای اسلامی کار تشکیل شود. چرا باید در واحدهای تحت پوشش وزارت‌خانه‌های نیرو، دفاع، کشور و نفت شوراهای اسلامی کار تشکیل نشود." (کار و کارگر، ۱۳ دی‌ماه ۷۷) و یا تماکری عضو شورای اسلامی استان لرستان می‌گوید: به دلیل عدم موافقت مدیران بیش از نیمی از کارگران واحدهای تولیدی استان لرستان فاقد شورای اسلامی کار هستند. (کار و کارگر، ۲۸ بهمن ۷۶)

اما در مورد "انجمن صنفی": طبق ماده ۱۳۱ قانون کار، کارگران مشمول این قانون می‌توانند انجمن صنفی تشکیل دهند. ولی آئین‌نامه موضوع تبصره ۵ همین ماده قانونی، وابستگی مطلق این انجمن‌ها را به وزارت کار و کارفرما تجویز می‌کند. در واقع این تبصره همان نقی را که مثلاً شورای نگهبان در انتخابات مجلس اسلامی دارد، به وزارت کار و نماینده کارفرما می‌دهد. (رجوع شود به فرهنگ توسعه، شماره‌های ۳۵ و ۳۶، ص ۱۳) زیرا طبق آن صلاحیت نامزدهای نمایندگی کارگران باید توسط "هیئت مرکب از نماینده کارگران (کذا) و نماینده کارفرما و نماینده وزارت کار" مورد بررسی و تأیید قرار گیرد. در غیر این صورت هرگونه انتخاباتی برای تشکیل انجمن صنفی غیرقانونی محسوب می‌شود. بنابراین فعالین این انجمن‌ها باید قبل از هر چیز از نظر نمایندگان کارفرما و وزارت کار صالح و مطیع تشخیص داده شوند و از صافی آن‌ها بگذرند. اما باز هم در واقعیت سرمایه‌داران و حکومت، عملاً از

تشکیل این انجمن‌های بی‌جان و کم‌آزار - که تازه قرار است در چارچوب قانون کار هم عمل کنند - در بسیاری از واحدهای تولیدی جلوگیری کرده‌اند. موضوع را از زبان یک کارگر زن بازگو کنیم:

چند وقت پیش در یک کارخانه می‌خواستند انجمن صنفی داشته باشند، اما نتوانستند این خواسته را تحقق بخشند. با وجود آن که در قانون کار ذکر شده که هر کارخانه‌ای می‌تواند یکی از انواع انجمن صنفی، یا شورای اسلامی یا نماینده کارگری داشته باشد اما عملاً وقتی کارگران این تقاضا را کردند تا انجمن صنفی تشکیل بدهند با انواع و اقسام دلایل از آن ممانعت به عمل آمد. در واقع با وجود این که در قانون وجود دارد اما انجمن صنفی چیزی نیست که به راحتی اجازه بدهند چون برای ایجاد چنین انجمن‌هایی باید وزارت کار تأیید کند یعنی نمایندگان تأیید بشوند و بعد آن‌ها بر انتخابات نظارت داشته باشند. خلاصه به آن‌ها گفته بودند که صلاح نیست انجمن صنفی داشته باشید. الان آن طور که من شنیده‌ام فقط چند جا بیشتر نیست که انجمن صنفی دارند، عملاً وقتی وزارت کار به عنوان مجری قانون و ناظر بر اجرای درست قانون یک چنین نظری دارد و می‌گوید به صلاح نیست که شما انجمن صنفی داشته باشید در واقع قانون را نقض کرده است... (فرهنگ توسعه، میزگرد مسایل زنان و جامعه مدنی، ص ۲۴)

در حاشیه اجازه دهید به نکته‌ای اشاره کنم. شیفته‌گان ایرانی دموکراسی طبقاتی، حرف‌های شیرین و خوش‌نواپی دربارهٔ "جامعهٔ مدنی" بورژوازی می‌زنند. اما همواره درباره این امر که سرمایه‌دار کشورشان، یعنی طبقه‌ای سرکوب‌گر، خودکامه و طرف‌دار و مجری بی‌حقوقی مطلق کارگران، قرار است یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه موعود آن‌ها را بسازد، سکوت کرده‌اند. جا دارد سؤالاتی از آن‌ها شود: آیا قبول دارند، هر جا که مسایلی در رابطه با زندگی و کار کارگران مطرح شود، خود کارگران باید تصمیم‌گیرنده اصلی باشند؟ اگر کارگران در جامعه موعود آن‌ها خواستند خودشان در مورد سرنوشت و زندگی‌شان تصمیم بگیرند، و با قوانین خودشان کار و زندگی کنند؛ اگر زیر بار قوانین و انضباط سرمایه‌دارانه نرفتند، تفنگ چیان، قوه قهریه و دستگاه سرکوب "جامعه مدنی" با آن‌ها چه خواهند کرد؟ اگر طبقه سرمایه‌دار خواست، نقش کارگران را در زندگی اجتماعی‌شان عقیم سازد، و کارگر به مبارزه برخاست، جانب کدام طبقه را خواهند گرفت؟ آیا حاضرند در این مبارزه در کنار طبقه کارگر قرار بگیرند؟ در این صورت تکلیف یکی از اساسی‌ترین ارکان "جامعه مدنی" بورژوازی یعنی

تقدس مالکیت خصوصی بر ابزار تولید چه می‌شود؟

سؤالات بالا البته خطاب به کسانی نیست که قصد دارند از نمد "جامعه مدنی" کلاهی برای سر خود بسازند، تکلیف آن‌ها مشخص است. مخاطب مبلغینی هستند که با روی‌گردانی از الگوی سرکوب‌گرایانه و خفقانی نوع شوروی به سازش با ایدئولوژی سرمایه‌داری رسیده‌اند. دفاع یک‌جانبه اینان از دموکراسی صرف‌نظر از تعلقات طبقاتی‌شان از یک اشتباه معرفتی سرچشمه می‌گیرد و حکایت از عدم شناخت آن‌ها از محدودیت‌هایی دارد که طبقه سرمایه‌دار بر دموکراسی تحمیل کرده است. همین دموکراسی محدود در جامعه سرمایه‌داری - محدود به این معنی که یکی از ارکان اصلی آزادی‌ها یعنی برابری افراد در جایگاه تولید اصلاً در جامعه سرمایه‌داری پذیرفته نمی‌شود و قهراً سرکوب می‌گردد - دستاورد تاریخی طبقات تحت سلطه بوده است. از لحاظ تاریخی هیچ یک از دستاوردهای دموکراتیک - حقوق و آزادی‌ها - را طبقه حاکم بنا بر تعامیل خود اعطاء نکرده است، بلکه در برابر فشار مبارزات کارگری و توده‌ای و پس از عقب‌نشینی‌های متعدد ناچار به تسلیم شده است. در واقع این دموکراسی به وسیله مبارزات قهرآمیز و غیرقانونی زنان و مردان کارگر، بیکاران و انسان‌های بی‌حقوق یعنی با قهر و خون و اسارت آن‌ها به دست آمده است.

تا وقتی نابرابری‌های اقتصادی و طبقاتی وجود دارد، آزادی نمی‌تواند پایدار باقی بماند و به صورت نهادی درآید، فقط در جامعه‌ای که انسان‌ها در حرسه اقتصاد و مناسبات تولیدی - یعنی روابطی که آن‌ها در فرآیند تولید ثروت با یک‌دیگر دارند - با هم برابرند، امکان نهادی شدن آزادی فراهم می‌گردد. هر جا که مناسبات کار و سرمایه برپا باشد - و از جمله در جامعه مدنی - هر چند طبقات دارا به وسیله فشار مبارزات کارگری و ادار به عقب‌نشینی‌هایی شوند، ولی به تدریج بر پایه قدرت اقتصادی و با توسل به دستگاه‌های سرکوب و ایدئولوژیک خود توانسته و می‌توانند به نام دموکراسی یا ملزومات جامعه مدنی به محدود نمودن و یا سرکوب دموکراسی به سود منافع خودشان بهره‌برداری کنند. بنابراین لازمه شناخت دموکراسی، شناخت محدودیت‌هایی است که طبقات حاکم بر دموکراسی تحمیل کرده‌اند. و اگر این دوستان در آرزوی خود (برقراری دموکراسی همه‌جانبه) پی‌گیرند، باید به این موضوع توجه داشته باشند که در "جامعه مدنی" آزادی نهادینه نخواهد شد و باید آرزوی خود را در جای دیگری جستجو کنند. بدون دگرگونی مناسبات تولیدی، رفع جدایی تولیدکننده از ابزار تولید، تغییر جایگاه کارگر در اقتصاد، رفع انقیاد کار به سرمایه، سازمان‌دهی تولید برای رفع نیازهای

زندگی اهالی نه برای کسب سود، سلب قدرت اقتصادی از سرمایه و سپردن آن به جامعه، آزادی نهادینه نخواهد شد.

برای این که انسان‌ها زندگی خویش را بر اساس سامان نوینی بازسازی کنند، ناچارند ساختارهایی را هدف قرار دهند که از طبقات و مناسبات طبقاتی و امتیازات گروهی پاسداری می‌کنند. از طریق سایه آرایش یافته همین جامعه طبقاتی و توهم پراکنی حول آن، نمی‌توان به آزادی رسید. پیش‌برد هر گامی جدی به جلو برای رسیدن به آزادی، نه از طریق سازش با ایدئولوژی سرمایه‌داری بلکه در نقد پی‌گیر آن و داشتن دورنمای سوسیالیستی امکان‌پذیر است. دورنمایی که در آن تشکلات کارگران، تولیدکنندگان و نهادهای آزاد مردمی بر سرنوشت خویش مسلطند و دخالت مردم تحقیر و سرکوب شده را در همه عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی تضمین می‌کند.

قراردادهای موقت کار

اشتهای حکومت و سرمایه‌داران در پی حقوق کردن کارگران سیری ناپذیر است. آن‌ها در شرایط وجود بیکاری گسترده، نبود امنیت شغلی و وضعیت نابسامان اقتصادی از یک سو، و غیرقانونی بودن تشکلهای واقعی کارگری از سوی دیگر، تجاوز به حقوق کارگران ایران را دو چندان کرده‌اند.

وزارت کار در تاریخ ۷۳/۱۲/۱۵ بخش‌نامه‌ای صادر کرد که طبق آن استخدام موقت کارگران جنبه قانونی و رسمی پیدا کرده است. سرمایه‌داران و صاحبان صنایع با استناد به این بخش‌نامه دسته‌دسته کارگران رسمی و با سابقه خود را اخراج می‌کنند و مجدداً آن‌ها را به عنوان کارگر موقت و قراردادی به کار می‌گیرند تا مزد کم‌تری بدهند، هیچ‌گونه تعهدی در برابر پرداخت مزایای کار ندهند و از زیر بیمه و تأمین اجتماعی کارگران یا آسودگی بیشتری در برونند. با این بخش‌نامه از یک طرف نیروی کار برای سرمایه‌داران ارزان‌تر تمام می‌شود و از طرف دیگر موقعیت کارگران در مبارزه برای افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار باز هم بیشتر تضعیف می‌شود. پرویز احمدی سابق‌الذکر که خود از نزدیک در جریان کار صاحبان صنایع است، شگردهای ضد انسانی آن‌ها را افشاء می‌کند: «برخی از کارفرمایان به اجبار کارگران را به تنظیم قراردادهای موقت به صورت قراردادهایی سفید و با امضای طرفین و یا در قبال اخذ سفته و چک از سوی کارگر و بدون ذکر شروع و پایان کار کارگران در آن واحد

تولیدی [وادار] می‌کنند که در صورت کوچک‌ترین اعتراضی از سوی کارگر به حقوق، دستمزد و... حکم اخراج صادر می‌شود. (کار و کارگر، ۱۱ بهمن ۷۷)

امروزه در واحدهای تولیدی چند دسته کارگر وجود دارد: ۱- کارگر رسمی، ۲- کارگر قراردادی موقت، ۳- کارگر کارمزد (کنتراکتی)، ۴- کارگر گاه‌مزد (فصلی) و...

سرمایه‌داران در قبال کارگران موقت، کارمزد و گاه‌مزد هیچ تعهدی بابت پرداخت مبلغی به‌عنوان حق بازخرید ندارند، به‌علاوه این دسته کارگران از مزایایی که قرار است کارگر شاغل در کارخانه دریافت کند (از قبیل حق بهره‌وری، سود سالیانه، عیدی، پاداش، هزینه مسکن، حق خواربار، حق عائله‌مندی، هزینه ایاب و ذهاب، کوپن مواد غذایی و...) محرومند. سرمایه‌دار همه این‌ها را یک‌جا به حساب جیب خود می‌گذارد.

کارگرانی که دائماً در معرض خطر اخراج قرار دارند، ناچارند برای حفظ شغل‌شان، از حقوقی حقه خود نیز صرف‌نظر کنند. سرمایه‌داران با این ترفندها میان کارگران تفرقه می‌اندازند و رقابت خردکننده‌ای را میان آن‌ها دامن می‌زنند. دست این قبیل کارگران در مبارزات کارگری بسته است. زیرا هرگونه اعتراضی از سوی آن‌ها، ریسک اخراج را به دنبال دارد. حال یک واحد تولیدی را در نظر بگیریم که کارگران آن برای خواسته‌های خود اعتصاب کرده‌اند و کارگر موقت از هم‌پاری با همکاران خود معذور است. در چنین وضعیتی حتی کارگر از اعلام همبستگی علنی با همکارانش محروم شده است. این حالت نه تنها برای کارگر به لحاظ مادی زیان‌بار است، بلکه از لحاظ روحی، احساسی و عاطفی نیز برای او کشته است. به‌راستی سرمایه‌داران کارگران را در چه تنگناهایی گرفتار کرده‌اند!

رکورد بیکارسازی‌ها شکسته می‌شود

در روزنامه‌های ایران هم‌روزه اخبار تعطیلی کارخانه‌ها به چاپ می‌رسد. با تعطیلی کارخانه‌ها، کارگران دسته دسته اخراج می‌شوند و با عواقب دردناک و دل‌خراش بیکاری مواجه می‌گردند. کارگری که حتی با داشتن شغل نیز نیمه‌گرسنه است، با بیرون‌انداختنش از کارخانه به ذلت می‌افتد و خانه‌خراب می‌شود.

گفته‌ها و آمارهایی که از سوی خود مقامات دولتی درباره تعطیل کارخانه‌ها اعلام می‌شود، تکان‌دهنده‌اند و عمق فاجعه را نشان می‌دهند. به چند مورد آن اشاره می‌کنم:

شمارش اولیه در ۲۱ استان نشان می‌دهد که ۴۰۰ کارخانه تعطیل شده‌اند و چند صد

کارخانه در آستانه تعطیلی قرار دارند.^{۱۱۶} (پیام امروز، شماره ۲۳، ص ۱۱۶)

حضرتی نماینده رشت در مجلس شورای اسلامی گفت: ۵۹۶ واحد در سطح کشور با مشکل روبه‌رو هستند.^{۱۱۷} (کار و کارگر، ۲۶ دی ۷۷)

لطفی سردبیر روزنامه کار و کارگر (۲۶ بهمن ۷۷) اعلام کرد: ۱۴۰۰ واحد تولیدی در اقصی نقاط کشور، دچار مشکلات متعددی هستند.^{۱۱۸}

محبوب دبیرکل خانه کارگر گفت: نزدیک به ۴۰۰ کارخانه با ۴۰۰ هزار کارگر نتوانسته‌اند دستمزد کارگران را پرداخت کنند و دستمزد ۴۰۰ هزار کارگر دیگر نصف شده است.

در چنین جوی علاوه بر اخراج کارگران، طفره رفتن از پرداخت دستمزد ناچیز آنان نیز به سیاست مدیران و کارفرمایان تبدیل شده است. آن‌ها در صددند کارگران را به یک عقب‌نشینی کامل وادارند. هم‌اکنون تأخیر در پرداخت دستمزدها یک موضوع هادی^{۱۱۹} در ایران شده است. این امر فشار طاقت‌فرسایی را که تورم بر کارگران وارد می‌آورد، چند برابر ساخته است. در این شرایط دشوار، کارگران در برابر تعرض لجام‌گسیخته سرمایه‌داران به حقوقی اولیه‌شان و برای نجات زندگی خویش و خانواده‌های‌شان به مبارزه برخاسته‌اند. موجی از حرکات وسیع کارگری در سراسر ایران برپا شده است. اعتصابات و اعتراضات کارگری بدون وقفه ادامه دارند و بخش‌های وسیع‌تری از کارگران بدان می‌پیوندند.

مبارزات کارگری

صدها واحد تولیدی صحنه اعتصاب، درگیری، تحصن، تظاهرات و گروگان‌گیری بوده است. در شماری از واحدها، کارگران حرکت خود را محدود به کارخانه نکرده و مبارزه را به سطح شهر کشانده‌اند. در شهرهای کاشان، قائم‌شهر، آبادان، رشت، اصفهان، تهران، یزد، کرمان و ... مبارزه کارگران به خیابان‌ها کشیده شده است. در بسیاری از این شهرها اعتراضات کارگری هم‌چنان ادامه دارد.

شمار اعتراضات کارگری بسیار زیاد است. وسعت و گستردگی آن‌ها برای کشوری مثل ایران کم‌ظنیر و آشکال مبارزات کارگری بسیار متنوع است. برخی از این مبارزات - به‌ویژه اعتصاب و گروگان‌گیری کارگران کارخانه نساجی قائم‌شهر و تظاهرات کارگران در کاشان - در صدر موضوعات سیاسی ایران قرار داشتند. اعتراضاتی که در زیر ذکر می‌شوند، تنها

نمونه‌هایی از این حرکات هستند.

□ راه‌پیمایی کارگران کارخانجات مختلف در کاشان بر علیه طرح فروش بیمارستان ۴۲۰ تخت‌خوابی سازمان تأمین اجتماعی. کارگران هم‌چنین علیه این طرح ۲۰ هزار امضاء جمع نمودند. در نتیجه این اعتراضات فرمان‌داری شهر ناچار شد، اجرای طرح فروش بیمارستان را متوقف کند. خانه کارگر تشکیلات کاشان از حرکت کارگران به وحشت افتاد و آن‌ها را به "خویشترن‌داری" دعوت کرد. در پی این اعتراضات روزنامه زن از قول فرمان‌دار کاشان خبر داد که گروهی از فعالین اعتراضات کارگری کاشان دستگیر شده‌اند.

□ ۲۵۰۰ کارگر نساجی قائم شهر مازندران پس از این که اشکال مختلفی از اعتراض را برای به دست آوردن خواسته‌های خود به کار می‌برند، دست به اعتصاب زده و مدیر کارخانه را به گروگان می‌گیرند. سپاه پاسداران کارخانه را به محاصره درمی‌آورد.

□ اعتصاب راه‌پیمایی و سرانجام تحصن ۲۰۰ کارگر شرکت نخ‌کار در مقابل سازمان مرکزی وزارت کار علیه تعویق ۱۲ ماهه دستمزدها. در این حرکت کارگران نمایندگی عناصر شورای اسلامی را رد می‌کنند و خواستار استعفای آن‌ها می‌شوند.

□ تحصن ۱۵۰ کارگر شرکت ماشین‌های زاینده‌رود اصفهان در محل سازمان آب منطقه‌ای این شهر علیه اخراج

□ راه‌پیمایی اعتراضی ۱۱۰۰ کارگر پروژه‌ای پالایشگاه نفت در شهر و تجمع در مقابل ساختمان فرمان‌داری آبادان، علیه اخراج، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و برای افزایش دستمزدها.

□ مذاکره کارگران نازپوش انزلی با مدیر کل امور اجتماعی استان گیلان و انتشار یک نامه ۱۸۵ کارگر این کارخانه که ۶۵ درصدشان زن هستند ۱۴ ماه دستمزد نگرفته‌اند. آن‌ها در اسفند ماه سال ۷۶ چندین بار اعتراض کرده بودند و در جریان این اعتراضات پل اصلی خازیان به انزلی را مسدود نموده بودند.

□ گردهم‌آیی اعتراضی کارگران کارخانه کیان‌چرخ شهرستان خرم‌دره علیه تسویق در پرداخت دستمزدها.

□ تجمع اعتراضی کارگران کارخانه "ایران پرتو" شیراز در مقابل ساختمان اداره کل کار استان فارس در اعتراض به تعطیل کارخانه و تعویق در پرداخت دستمزدها.

□ اعتصاب کارگران فرش مازندران علیه اخراج ۲۶۰ کارگر این کارخانه.

- تجمع اعتراضی ۸۰ کارگر ساختمانی "رس" در محل خانه کارگر زاهدان جهت پرداخت ۷ ماه دستمزد و مزایای معوقه.
- اعتراض کارگران تراکتورسازی تبریز به عدم پرداخت دستمزدها.
- اعتراض کارگر شرکت تولیدی جانکوف به تعویق ۱۰ ماهه دستمزدها.
- اعتصاب کارگران کارخانه شیشه همدان برای اضافه حقوق و پرداخت دستمزدهای معوقه.
- کارگران اعتصابی از ورود مدیرعامل به محوطه کارخانه جلوگیری کردند.
- تحصن کارگران شرکت جهان چیت کرج در اعتراض به عدم پرداخت چند ماهه دستمزدهای خود در خیابان اصلی کرج. کارگران مانع عبور و مرور وسایل نقلیه شدند. این کارخانه ۲۰۰۰ کارگر دارد.
- تحصن کارگران شرکت آرامش یزد علیه ۵ ماه تعویق در پرداخت دستمزدها، در مقابل استان داری یزد.
- تحصن دو روزه کارگران شرکت توانیر، در اعتراض به واگذاری کارهای شرکت به پیمانکارهای خصوصی، کارگران اخطار کردند که در صورت واگذاری کارها به پیمانکار اعتصاب خواهند نمود.
- تجمع اعتراضی کارگران شرکت صنعتی الکتریک خراسان علیه تعویق در پرداخت دستمزد، پاداش و عیدی سالانه.
- اعتصاب کارگران کارخانه ارج در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد، پاداش و عیدی.
- تجمع اعتراضی کارگران شرکت علاءالدین در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه در محل شرکت.
- تجمع اعتراضی کارگران شرکت ساختمان سازی دولت آباد شهرستان ری علیه عدم پرداخت دستمزدها و مزایای ۳ ماهه گذشته در مقابل خانه کارگر.
- زد و خورد کارگران کارخانه طبستان یا مدیران کارخانه بر سر پرداخت بیمه بیکاری.
- تجمع اعتراضی کارگران سایپورکس در اعتراض به تعویق ۶ ماهه دستمزدها.
- تجمع اعتراضی کارگران شهرداری ایلام در اعتراض به عدم پرداخت مزایا در مجتمع فرهنگی و هنری استان. کارگران خواهان برخورداری از حق اضافه کاری، پرداخت حق مأموریت، لباس کار و پرداخت ماهه التفاوت افزایش حقوق عقب افتاده خود بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل شدند.

- ۱۱ اعتصاب کارگران چیت‌سازی پشه‌ر در اعتراض به تعویق دستمزدها.
- ۱۲ اعتصاب کارگران و کارکنان مؤسسه جهاد نصر به دلیل عدم پرداخت ۱۴ ماهه دستمزدها.
- ۱۳ اعتصاب کارگران کارخانه آجر عالی اصفهان به علت عدم پرداخت ۲ ماهه دستمزدها و تعصن آن‌ها در برابر استان‌داری اصفهان.
- ۱۴ تجمع اعتراضی ۳۰۰ کارگر صنایع چوب ایران علیه تأخیر در پرداخت ۵ ماهه دستمزد، در خیابان ولی‌عصر تهران.
- ۱۵ تظاهرات کارگران شرکت فرش اکیاتان قزوین در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماهه دستمزدها در مقابل دفتر نماینده خامنه‌ای.
- ۱۶ تجمع اعتراضی کارگران کارخانه الکتریک رشت در مقابل استان‌داری گیلان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها.
- ۱۷ تظاهرات کارگران کارخانه گچ تهران در برابر دفتر شرکت.
- ۱۸ تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه آبادان در کارگاه مرکزی علیه خصوصی کردن بیمارستان شرکت نفت.

نکاتی درباره حرکات اعتراضی کارگران

۱- همه این مبارزات در کشوری به وقوع پیوسته که در آن کارگران از تشکیلات واقعی خود محرومند. همه این اعتراضات غیرقانونی و بدون وجود یک سازمان کارگری مجاز و در شرایط کنترل و سرکوب پلیسی صورت گرفته‌اند. سازمان‌دهی مبارزات کارگری حتی با وجود تشکلات قانونی هم - به‌ویژه در شرایط بحران اقتصادی - از پیچیدگی و ظرافت خاصی برخوردار است. حال تصور کنید که تشکلی هم وجود ندارد و در جریان حرکت اعتراضی، فعالین کارگری ناچارند شخصاً جلو بیفتند و بدون کوچک‌ترین پشتوانه قانونی‌ای مطالبات کارگران را مطرح کنند؛ جلوی چشم جاسوسان رژیم، کارفرما و مدیریت و در مقابل نیروی انتظامی از خواسته کارگران دفاع کنند. تیغ رژیم مدام برگردن چنین فعالینی قرار دارد. خطر اخراج، دستگیری، زندان و عواقب دردناک آن‌ها برای فعالین وجود دارد.

چند تن از کارگران در این حرکات اعتراضی شناسایی، اخراج یا دستگیر شده‌اند؟ معلوم نیست! اختناق و سرنیزه اجازه انعکاس دقیق این قبیل اخبار را نمی‌دهد. از آبادان خیر می‌رسد که در اعتراضات اخیر کارگران موقت پالایشگاه، عده‌ای از کارگران معترض را

دستگیر کرده‌اند و فعال‌ترین آن‌ها را از بازگشت به کار محروم نموده‌اند. در این یا آن روزنامه نیز، به‌طور بسته و گریخته، اخباری در رابطه با دستگیری کارگران درج شده است. مثلاً خبر محاصره کارخانه نساجی قائم‌شهر توسط پاسداران، دستگیری فعالین اعتراضات کارگری کاشان و یا مثلاً پس از یک سال که از مبارزه کارگران نازیوش می‌گذرد، از زبان کارگری آورده شده که در جریان مسدود کردن پل اصلی غازیان به انزلی تعدادی از همکارانش دستگیر و زندانی شده‌اند. به هر حال سازمان‌دهی این اعتراضات کار ساده‌ای نیست، مشقات و محسوس در پی دارد و در مواردی فعالین کارگری جان‌شان را بر سر این راه می‌گذارند.

۲- اعتراضات کارگری در شرایط بحران اقتصادی امروز ایران جنبه دفاعی به خود گرفته است. اکثر مبارزات کارگران برای جلوگیری از اخراج‌ها و تعطیل کارخانه‌ها، پرداخت به‌موقع دستمزدها، لغو قراردادهای موقت کار و... بوده است. البته در مواردی مسئله افزایش دستمزدها، پرداخت مزایا، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و... هم بیان شده‌اند؛ و حتی از سوی کارگران نعت گج‌ساران مطالباتی مثل "مذاکرات و بیمان‌های دسته‌جمعی کار، تهیه آئین‌نامه نحوه قراردادهای مربوط به چگونگی تعیین و پرداخت اضافه حقوق، اجرای قانون طبقه‌بندی مشاغل و تشکیل شوراهای کارگری" طرح گشته است. با این حال مبارزات کارگران در مجموع تدافعی بوده است.

۳- نکته ارزش‌مندی که در مبارزات اخیر مشاهده می‌شود، وجود روحیه همبستگی کارگران با آن دسته از همکاران‌شان است که دستمزدهای خود را ماه‌هاست دریافت نکرده‌اند. کارگران استان تهران، همکاران خود را تنها نگذاشته‌اند و یک روز از دستمزد خویش را به آن‌ها اختصاص داده‌اند؛ (در لابه‌لای گفته‌هایی که در روزنامه کار و کارگر ۱۲ بهمن ۱۳۷۷ منتشر شده، خبر این موضوع درج شده است). چنین اقدام مثبتی همبستگی طبقاتی میان کارگران را تقویت می‌کند.

عظمت این کار زمانی روشن می‌شود که به خاطر آوریم، کارگران نیمه‌گرسنه‌اند و خودشان در فلاکت به سر می‌برند. این همبستگی درسی است که کارگر تهرانی به کسانی که در اروپا زندگی می‌کنند و هنوز دلی در گرو کارگران دارند می‌دهد؛ وجدان‌بیداری است تا چنین کسانی از خود بیرسد که چگونه می‌توان جهت تقویت مبارزات کارگران، بیکاران و... از آن‌ها حمایت مالی و عملی نمود.

۴- تحصن و رام‌پیمایی به یکی از شیوه‌های رایج اعتراضات کارگری تبدیل شده است.

این اشکال مبارزاتی در چندین کارخانه و در نقاط گوناگون ایران به کار بسته شده‌اند. بستن جاده‌ها و راه‌ها روش دیگری است که کارگران به کار گرفته‌اند. از جمله کارگران پارسان و نازیوش اقدام به بستن راه‌ها کرده‌اند. (کار و کارگر، ۲۶ دی ۷۷) در این حرکات گروگان‌گیری مدیران و پازد و خورد با آن‌ها نیز در کارخانه‌هایی مثل نساجی قائم‌شهر و کارخانه طبرستان گزارش شده است.

یکی از اقدامات نمونه‌واری که در مبارزات کارگری به چشم می‌خورد، کشاندن اعتراضات از محیط کارخانه به خیابان‌هاست. کارگران پی برده‌اند که اگر مبارزه‌شان به درون کارخانه محدود بماند، سرمایه‌داران راحت‌تر می‌توانند از مطالبات‌شان ظفره برونند. از این رو می‌کوشند افراد بیشتری را در جریان مشکلات خود قرار دهند. آن‌ها با آمدن به خیابان‌ها مردم را از شرایط خود مطلع می‌کنند و می‌خواهند حمایت آن‌ها را جلب نمایند. به نظر می‌رسد که کارگران در کاریست این روش شدیداً تحت تأثیر حرکت بزرگ کارگران صنعت نفت در بهمن ۷۵ قرار دارند. در آن زمان کارگران پالایشگاه تهران جلوی وزارت نفت در تهران تجمع کرده و خواسته‌های خود را مطرح نمودند. این حرکت از سوی نیروهای مسلح سرکوب شد، اما انعکاس وسیعی در جامعه یافت. از آن زمان بیشتر شاهد تجمعات اعتراضی کارگران در خیابان‌ها و در سطح شهرها برای جلب نظر مردم و انعکاس اخبار خواسته‌های‌شان هستیم. این روش کارساز هم بوده است. زیرا اعتراض در مقابل چشمان هزاران نفر صورت می‌گیرد و سانور کردن خبر آن مشکل‌تر است. بدین ترتیب روزنامه‌های داخلی آسان‌تر می‌توانند خبر این قبیل حرکات را انعکاس دهند و بعضاً هم در این باره خبرهایی درج شده‌است.

۵- هر چند گسترش مبارزه کارگران از محیطه واحد تولیدی به خیابان‌ها نکته مثبتی است، ولی نفس مبارزه در محدوده یک کارخانه باقی مانده است. کارگران هر واحدی بدون هم‌آهنگی با سایر واحدها مبارزه خود را پیش برده‌اند. امروز صدها اعتراض و مبارزه کارگری با خون دل سازمان‌دهی می‌شوند. ولی برآکنندگی آن‌ها باعث شده که تغییری اساسی در وضعیت کارگران صورت نگیرد، با وجود این که در موارد بسیاری خواسته‌های کارگران واحدهای گوناگون مشابه و مشترک هستند، ولی عدم پیوند میان مبارزات کارگران تأثیر حرکات آن‌ها را بسیار اندک کرده است.

سوالی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که آیا کارگران فعال ضرورت هم‌آهنگ نمودن مبارزات کارگری را نمی‌دانند؟ پاسخ به این سؤال اکیداً منفی است. زیرا در جنبش

کارگری اخیر ایران، مبارزه مشترک، هم‌آهنگ و هم‌زمان چند کارخانه، با طرح خواسته‌های واحد، موضوع بی‌سابقه‌ای نیست. مثالی در این جهت اعتصابات کارگری صنعت نفت در سال ۱۳۶۹ است. دیدیم که در این اعتصابات سطح معینی از سازمان‌دهی و هم‌آهنگی وجود داشت. و با وجود این که کارگران نفت قانوناً از هیچ‌گونه تشکلی برخوردار نبودند، ولی قادر شدند چند اعتصاب بزرگ را هم‌زمان در چند شهر ایران سازمان دهند. مورد دیگر حرکات اعتراضی هم‌آهنگ در "گروه صنعتی ملی" بود. گروه صنعتی ملی یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌های صنعتی تهران است و ۲۶ شرکت را در برمی‌گیرد. در اعتصابات گروه صنعتی ملی که در دی‌ماه ۷۶ آغاز شد و تا بهمن‌ماه ادامه داشت، میان این ۲۶ شرکت هم‌آهنگی و اشتراک مساعی برقرار بود. یکی از خواسته‌های اعتصابیون "حق تشکل" بود. به هر حال با وجود این که از چشم کارگران فعال ضرورت هم‌آهنگ نمودن مبارزات پوینده نیست، و بخش‌هایی از کارگران در این عرصه پراتیک و تجربه دارند، ولی در حرکات اخیر این تجربه به کار بسته نشده است. بدین ترتیب با وجود کیفیت قابل ملاحظه اعتراضات، کارگران قادر نشده‌اند به صورت یک نیروی اجتماعی متحد و نیرومند وارد عمل شوند و بر فضای جامعه اثر بگذارند. به نظر می‌رسد اوضاع بسیار وخیم معیشتی، گرسنگی و بیکاری گسترده، تأثیرات مخربی در این میان داشته‌اند. کارگری که دستمزد ناچیزش هم به تعویق افتاده و فشار گرسنگی او را خرد کرده است، بیشتر به رهایی آنی از این ذلت می‌اندیشد تا به فکر تداوم حرکتش باشد.

تشکل مستقل کارگری در گرو مقاومت کارگران در مقابل قدرت دولتی

مشکل کارگران به این رشته تولیدی و یا آن شاخه خدماتی محدود نمی‌شود. فشار به کارگران محدود به این کارخانه و یا آن واحد تولیدی نیست. مسئله برای کارگران در مقیاس بزرگ‌تری مطرح است، حتی محدود به اقتصاد نمی‌شود. کل سیستم اقتصادی، سیاسی و حقوقی در مقابل کارگران قرار گرفته است. ناگفته پیداست که کارگران برای دفاع سازمان‌یافته در مقابل این سیستم به تشکیلات مستقل و سراسری نیازمندند. اما در این باره موانع بزرگی در مقابل طبقه کارگر قرار دارد. مهم‌ترین این موانع یکی سنن و تجارب کم طبقه کارگر برای ایجاد تشکیلات مستقل خودش و دیگری سیاست سرکوب لجام‌گسیخته رژیم است.

۱- در ایران سال‌های متمادی و دهه‌هاست که تشکیلات کارگری در معنای واقعی و

وسیع کلمه وجود نداشته است. از این رو کارگران از تجارب غنی، سنن، نمونه‌ها، نمادها، ارزش‌ها و الگوهایی که آن‌ها را در راه ساختن تشکیلات وسیع کارگری یاری رسانند، محرومند. این امر تلاش برای ایجاد تشکیلات مستقل را با موانع متعددی روبه‌رو کرده است. با این حال ما شاهد مبارزه‌جویی کارگران در واحدهای تولیدی هستیم، مبارزاتی که اهداف یک شکل کارگری را دنبال می‌کنند. اگر کارگران در عرصه سازمان‌یابی سراسری از سنن قوی‌ای برخوردار نیستند، اما در عرصه مبارزه در محیط کار استخوان خرد کرده‌اند. خاطرات و تجربیات کارگران فعال در امر سازمان‌دهی مبارزات در محیط کار، آنان را در برخورد با "فوت و فن بازی" آپ‌دیده کرده است. اگرچه فعالین کارگری در این عرصه از سنت سازمان‌دهی برخوردارند، کیفیت عمل آن‌ها بالاست و فعالیت‌های ترویجی آنان از سوی توده کارگران جذب می‌شود، ولی این نوع سازمان‌یابی از ادامه‌کاری و استمرار برخوردار نیست. از ویژگی‌های این نوع تلاش‌های سازمان‌گرایانه، حالت موقت، نامنظم، آتی و ضربتی آن‌هاست. اشکال دیگر آن، محدود ماندن سازمان‌دهی در یک واحد تولیدی است. البته اخیراً شاهد کوشش‌هایی جهت رفع این محدودیت‌ها بوده‌ایم. هم‌آهنگی‌های فراکارخانه‌ای که دو مثال آن در بالا ذکر شدند، نمونه‌هایی از این تلاش‌هاست. این سازمان‌دهی‌های فراکارخانه‌ای، البته محدود به شاخه تولیدی واحدی بوده است. اما چه کسی است که نداند، کارگران برای این که در سطح بزرگ‌تری نیروگرد آورند و به مسایل وسیع‌تری بپردازند و برای آن‌ها راه‌جویی کنند، باید قبل از هر چیز در سطح شاخه تولیدی خود متحد شده باشند.

به هر حال لازمه تأسیس و ادامه‌کاری تشکیلات کارگری، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، فعالیت‌های دامنه‌دار، غذاکاری و از خودگذشتگی فعالین کارگری است. آن‌ها باید در این راه با ضعف‌ها، نارسایی‌ها، ابهامات، رقابت‌ها و... دست‌وپنجه نرم کنند، تا توانایی‌ها و اطلاعات لازم را برای ایجاد تشکیلات سراسری به دست آورند.

۲- بی‌شک، دست‌یابی کارگران به شکل مستقل کارگری بیش از هر چیز در گرو مقاومت طبقه کارگر در مقابل قدرت دولتی و طبقه سرمایه‌دار است. در همه جا حکومت و سرمایه‌داران دست به کارند و فعال کارگری را زیر ضربات خود گرفته‌اند. آن‌ها نمی‌گذارند حرکات کارگران متحد و یک‌پارچه شود. آن‌ها وحدت مبارزات کارگری را برای ثبات خود خطری به مراتب بزرگ‌تر از هر اقدام دیگری می‌دانند. جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران جامعه را به شکارگاه فعالین کارگری بدل کرده‌اند. اقدام قابل ستایش کارگران نفت در دی ماه ۱۳۷۵

جهت ایجاد تشکل مستقل خود و زمینه‌سازی برای سراسری نمودن تشکل کارگران نفت، با سرکوب بی‌رحمانه نیروهای رژیم روبه‌رو شد. در همین جهت در تاریخ ۲۸ بهمن ۷۵، زمانی که بیش از ۲۰۰۰ کارگر پالایشگاه تهران برای رسیدن به خواسته‌های خود در مقابل اداره مرکزی نفت اجتماع کردند، نیروهای مسلح رژیم با تیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور به آن‌ها یورش آوردند. بیش از ۱۰۰ تن از کارگران را دستگیر کردند و تعدادی از آن‌ها نیز در خانه‌گردی‌های متعاقب آن دستگیر شدند. (کارگر تبعیدی، شماره ۳۷، خرداد ۷۶)

سران رژیم با هراس از اوج‌گیری مبارزات کارگری و برای خنثی کردن اثرات مبارزه قهرمانانه کارگران نفت، به سرعت بخش حراست وزارت کار را تقویت کردند، و ستاد هم‌آهنگ‌کننده ویژه سرکوب کارگران را از این بخش و وزارت اطلاعات و امنیت به وجود آوردند. یکی از وظایف مهم این ستاد شناسایی فعالین کارگری، جمع‌آوری اطلاعات در مورد آن‌ها و دستگیری یا خانه‌نشین نمودن آن‌ها است. رژیم هیچ‌گونه تشکل مستقل کارگری را حتی در محدوده یک واحد تولیدی تحمل نمی‌کند. برای حکومت، تشکل‌های کارگری خطری واقعی محسوب می‌شوند، زیرا این تشکلات هستند که سرمایه‌داران را سر جای خودشان می‌نشانند و پایه‌های رژیم خودکامه را متزلزل می‌سازند.

طبقه سرمایه‌دار و حکومت ایران حتی موانع متعددی در مقابل ایجاد انجمن‌های صنفی، که قانوناً هم پذیرفته شده‌اند، گذاشته‌اند. حال تصور کنید که مبارزه برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری با چه مشکلات فراوانی روبه‌رو است، از چه پیچیدگی‌هایی برخوردار است و چه تنگناهایی در مقابل دارد.

کسی که می‌نویسد: تشکل سراسری کارگران باید از بالا ایجاد شود، نه فقط به این خاطر گزافه می‌گوید که چنین کاری با سرکوب خونین رژیم روبه‌رو می‌گردد، بلکه چنین تشکلی - اگر هم بر فرض محال پدید آید - برای کارگران همان قدر بیگانه است که هر سازمان دولتی دیگری. کارگران از اقداماتی که بر فراز سر آنان انجام می‌گیرد، تجربه و خاطرات ناخوشایندی دارند و از آن‌ها استقبال نخواهند کرد. کارگران به تشکیلاتی نیاز دارند که مستقیماً در ساختن آن نقش داشته باشند.

اما اگر از "بیرون" کسی حرفی برای کارگران ندارد، خود آن‌ها در اندیشه و پیکارند و برای ایجاد تشکل خود راه‌جویی می‌کنند. طرح مطالبه "پیمان‌های دسته‌جمعی" یکی از این راه‌جویی‌هاست. در پشت این مطالبه تشکل کارگری قرار دارد. زیرا در صورت پیش‌برد این

خواسته، کارگران هر رشته و بخشی می‌توانند رسماً نمایندگان خود را انتخاب کنند و آن‌ها را برای انعقاد پیمان‌های دسته‌جمعی بسیج نمایند. در چنین وضعیتی سرمایه‌داران و حکومت ناچارند وجود تشکل را به رسمیت بشناسند. مطالبه انعقاد پیمان‌های دسته‌جمعی که قبلاً نیز به صورت جسته و گریخته مطرح می‌شد، با طرح آن توسط کارگران صنعت نفت در جنبش کارگری برجسته شد. نقطه قوت آن این است که به راحتی می‌تواند همه‌گیر و سراسری شود و به خواسته کل طبقه کارگر ایران تبدیل گردد. این خود زمینه‌ای است برای همکاری و هم‌آهنگی مبارزات در سطح فراتر از کارخانه و می‌تواند مقدمات ساختن تشکل سراسری را فراهم آورد. موضوع دیگر تعیین حداقل دستمزد با شرکت مؤثر نمایندگان کارگران به جای 'شورای عالی کار' است. در این میدان نیز کارگران به مقابله با حکومت برخاسته‌اند.

اما در مقابل هر دو موضوع بالا، خطر 'خانه کارگر' قرار دارد. خطر آن است که در صورت پیش‌برد این خواسته‌ها، 'خانه کارگر' خود را به‌عنوان 'نماینده کارگران' تحمیل کند و کوشش کارگران در این راستا را عقیم بگذارد و یا آن را تحریف نماید.

علاوه بر این‌ها، اندیشه انتشار یک نشریه کارگری در ایران از مدت‌ها پیش در ذهن کارگرانی که به منافع خویش آگاه‌ترند نقش بسته است. مدت‌هاست نیاز به چنین نشریه‌ای احساس می‌شود. همکاری ناشران و نویسندگان با کارگران می‌تواند طرح را پخته کند و انتشار نشریه کارگری را امکان‌پذیر سازد. متأسفانه یکی از ضعف‌های مبارزات اخیر در ایران این است که هنوز بیوندی میان مبارزات و اعتراضات طبقه کارگر یا اقشار دیگر (دانشجویان، نویسندگان و...) به وجود نیامده است. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های موفقیت جنبش کارگری این است که به جامعه نشان دهد وجود تشکیلات کارگری ضامن اساسی است برای پدپداری و حفظ آزادی سایر اقشار زحمت‌کش و مردمی!



هرکس رژیم جمهوری اسلامی را مانع اساسی در مقابل آزادی‌های سیاسی می‌داند و به تغییر ساختار استبدادی قدرت فکر می‌کند، هرکس می‌خواهد از خود در مقابل قدرت حکومتی دفاع کند، حرمت انسانی‌اش پایمال نشود، بی‌حقوق و لگدمال شده نباشد، و آن کس که در آرزوی آزادی قلمش است، نباید در خود فرو رود و آرزویش را به صورت انتزاعی و جدا از حقوق کارگران در نظر آورد. تقویت نمودن مبارزات کارگران در مقابل سرمایه‌داران و حکومت برای دست‌یابی به چنین خواسته‌ها و آرزوهایی ضروری است. تغییر و تحول جامعه

به تشکلات و نهادهای واقعی و مستقل کارگران نیاز دارد. دستاورد کارگران می‌تواند دستاورد همه حقوق‌بگیران و مردم نیز محسوب شود. همگان به یاد دارند که اعتصابات کارگران نفت در سال ۶۹ انجماد اعلام نشده دستمزدها را در ایران ذوب کرد. رژیم در آن سال ناگزیر شد ۲۰۰۰ تومان نه فقط به دستمزد کارگران نفت بلکه به حقوق همه کارکنان بیافزاید.

تشکل مستقل پیش‌شرط دست‌یابی به حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پایدار در جامعه است و بایدهای رژیم خودکامه را متزلزل می‌کند. با وجود نهادهای مستقل کارگری است که فرهنگ متکی به مشارکت آزادانه نیز توسعه می‌یابد و استوار می‌گردد. زنده باد تشکل‌های مستقل کارگری نباید صرفاً شعار کارگران باشد، هر انسانی که خواهان آزادی جامعه است، در مطرح کردن این خواسته مستقیماً نفع دارد.

مشکل امروز ایران نه فقط در کلیت اقتصاد بلکه علاوه بر آن در کل سیستم سیاسی هم نهفته است. و علت اصلی نابسامانی‌های ایران عمدتاً در حوزه سیاست است. اگر تشکلات مستقل کارگری پدید آید، امکان دخالت تولیدکنندگان واقعی جامعه برای راه‌جویی و رفع نابسامانی‌ها فراهم می‌آید. تقویت مبارزات کارگران و دفاع از خواسته تشکل‌یابی آن‌ها، توازن قوا را به نفع اکثریت جامعه تغییر می‌دهد.

تشکل مستقل کارگری قادر به هم‌زیستی با حکومت خودکامه نیست. از این رو زمینه سرنگونی جمهوری اسلامی را مهیا می‌کند و به‌دین وسیله با دخالت خود در اقتصاد و سیاست امکان تغییر و تحول راستین جامعه را فراهم می‌آورد.